



بررسی نقش تاب آوری در بهسازی و نوسازی شهری (مطالعه موردی: شهر کوچصفهان استان گیلان)

افشین حسنی فشتالی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گیلان. ایران

چکیده

هدف تحقیق بررسی نقش تاب آوری در بهسازی و نوسازی شهری (مطالعه موردی: شهر کوچصفهان استان گیلان) می باشد. روش توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای بوده، ابتدا با جستجو در پایگاه ها و سایت های اینترنتی و بانک های اطلاعاتی و استنادی مانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، تبیان، مگ. در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقات انجام شده است. در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده، نوع داده ها ونحوه اجراء هم به روش کتابخانه ای است. روش در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه ای دارند تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه ها صورت می پذیرد. حتی در تالیفات و تصنیفات نیز از این روش استفاده می شود. گام اول در مهارت تحقیق کتابخانه ای آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه است برای اینکار محقق باید از روش های کتابداری نحوه استفاده از برگه دان و ثبت مشخصات کتاب، نحوه جستجوی کتاب در کتابخانه و رایانه و ... اطلاع حاصل نماید. اسناد عمده در مطالعات کتابخانه ای عبارتند از : کتاب؛ مقاله ها و مجله ها؛ سایت ها، دیسک های رایانه؛ اسناد اصل؛ اسناد دولتی؛ نشریه های رسمی دولتی،-اسناد شخصی و خصوصی؛ مطبوعات؛ آمار نامه ها ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش برداری از منابع خواهد بود. بدین صورت که بعد از مأخذشناسی و گردآوری منابع مطالب موردنیاز استخراج و در فیش ثبت خواهد شد. روش تجربه و تحلیل و بررسی اطلاعات به صورت توصیفی- تحلیلی بوده است.

کلیدواژگان: تاب آوری، بهسازی و نوسازی شهری، شهر کوچصفهان استان گیلان



-مقدمه

سالانه در سرتاسر جهان افراد زیادی در اثر وقوع بلایای طبیعی جان خود را از دست می دهند. این در حالی است که بازماندگان حوادث مذکور نیز تجربه تلخ وقوع آن را در خاطره جمعی خود حفظ خواهند کرد. کشور ما نیز از این نظر جزء ده کشور آسیب پذیر از بلایای طبیعی جهان به شمار می آید. چراکه در طی ۹۰ سال اخیر ۱۲۰۰۰۰ نفر از هموطنانمان بر اثر آن جان خود را از دست داده اند و در این بین بیشترین تلفات انسانی (۷۶ درصد) ناشی از زلزله بوده است و اما زلزله یک پدیده طبیعی همانند سایر پدیده های طبیعی نظیر سیل و طوفان است که در تبدیل آن به یک فاجعه، آسیب پذیری مجتمع های مسکونی نقش بسزایی دارد (پورمحمدی و مصیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۸). بافت های فرسوده شهری، محدوده آسیب پذیر شهر از نظر سوانح و مخاطرات محیطی بخصوص زلزله از یک طرف و نارسایی های عملکردی، کالبدی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی و از طرف دیگر نیازمند شناسایی دقیق، جامع و مداخله آگاهانه و برنامه ریزی شده به منظور ساماندهی آن می باشد. از مهم ترین ویژگی های این بافت ها به ویژه بافت های درون شهری که آنها را به حوزه های مسئله دار تبدیل می کند، عدم توازن کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار زیاد با بافت های پیرامونی شان می باشد (عباس زادگان، ۱۳۸۴: ۵۸۹). بافت های فرسوده، زمانی با ساختار و کارکردی متناسب با نیازهای ساکنان خود، از پویایی و صلابت خاصی برخوردار بوده اند، اما امروزه به واسطه ی بی توجهی، این بافت ها به یکی از مهم ترین معضلات شهری تبدیل شده اند. یکی از اصلی ترین دلایل این امر عدم توجه به موضوع هویت و ابعاد کالبدی آن در این گونه بافت هاست. از طرف دیگر امروزه با رشد شتابان شهرنشینی و کمبود فضا در اغلب مناطق، استفاده و بهره برداری از تمامی امکانات بالقوه شهر نظیر بافت های فرسوده تاریخی بیش از گذشته احساس می شود. ارتقاء هویت شهری از جمله راهبردهای اصلی در دستیابی به هدف کلان حیات بخشی در بافت های فرسوده است. امروزه بافت های تاریخی در شهرها، به عنوان هسته های شکل دهنده اجتماع شهری در محلات مسکونی جزو مهم ترین دغدغه های مداخله ای است، به طوری که به مثابه یک روح زنده که گویای حوادث و رخدادها و شاهدهی استوار بر سرگذشت نسل های متعدد که در گذر زمان نقش ماندگاری بر پیکره شهرها نشانده اند، قلمداد می شوند. تاب آوری در مفهوم کلان خود مجموعه مفاهیمی را در پارادایم فکری ارائه می کند که بیشتر سعی در پیش بینی و بررسی اصول و راهکارهایی جهت به حداقل رساندن تغییرات ناشی از آسیب های فرسودگی است.

تشخیص زودهنگام این تغییرات و تأثیرات آنها بر شهر و طراحی و برنامه ریزی بر اساس این تشخیص می تواند تاب آوری شهر را در برابر این تغییرات، به میزان قابل توجهی ارتقاء بخشد (دسوزو و همکاران^۱، ۲۰۱۳). تاب آوری در یک طرف سیستمی که باید تاب آور باشد را مشخص می کند و در طرف دیگر نوع بحرانی که سیستم باید در برابر آن تاب آور باشد و بر همین اساس دارای ابعاد کالبدی، اجتماعی، نهادی، معیشتی، فضایی و... است. در واقع تاب آوری میزان آشفتگی که یک سیستم بتواند جذب کند و همچنان در همان وضعیت قبلی باقی بماند، یا میزان توانایی سیستم در خودسازماندهی و میزان توانایی سیستم در ایجاد و افزایش ظرفیت یادگیری و سازگاری را تبیین می کند (کارپنتر^۲، ۲۰۰۱). بنابراین بافت فرسوده به علت فرسودگی عملاً در مفهوم یک سیستم نیازمند تبیین مخاطرات است. مفهوم فرم شهری در نگاه ریخت شناسانه بافت های شکل دهنده هسته های شهری، می تواند بهترین نمود تاب آوری را در خود تحلیل کرده و ابعاد چندگانه تاب آوری را در بعد عملکردی تبیین نماید که به طبع استخراج مدل این نوع رویکرد در مورد

^۱ Desouza & Flanery

^۲ Carpenter



بافت تاریخی خود نیازمند درک عمیق از سازوکار و روابط مابین معیارهای این ابعاد است. به طوری که ابعادی نظیر اجتماعی و اقتصادی به صورت سنتی به نوعی در ارتباط محلات مسکونی با ابعاد نهادی و کالبدی باید به صورت ارتباط فضایی و کارکردی مطرح شوند (ادگر^۲، ۲۰۰۵). وقوع خطرهای طبیعی (وجود گسل شرقی- غربی، بارش برف، آبگرفتگی معابر، طغیان رودخانه ها) بحرانهای اجتماعی ناشی از وفور و عدم رسیدگی به بافتهای فرسوده (افزایش جمعیت، مسکن غیر رسمی، آسیب های اجتماعی)، بحرانهای اقتصادی (فقر، اقتصاد غیررسمی، گرانی مسکن، بیکاری)، بحرانهای زیست محیطی (آلودگی رودخانه ها، دفع غیر بهداشتی زباله، کاهش فضای سبز، حمل و نقل شخصی به جای حمل و نقل عمومی) و سایر نابسامانی های کالبدی شهر (تعارض کاربری ها، مکانیابی نادرست جایگاه های سوخت، بافت فرسوده، ساختمان های غیر ایمن، وجود پل های ارتباطی، تاسیسات شهری آسیب پذیر...) بخشی از عواملی است که لزوم مدیریت بحران و تاب آور کردن شهر در برابر فجایع و بحران ها را ایجاب می کند. به طور کلی، جوامع در سراسر جهان به طور فزاینده ای از بلایای ناشی از مخاطرات طبیعی، منازعات و فوریت های انسانی یا رویدادهای ساخته دست بشر متأثر می شوند. این بلایا اغلب در اشکال، شدت و محل های غیرمنتظره رخ می دهد که در عمل پیشگیری یا اقدام در مورد تمامی این تهدیدها را غیرممکن می سازد. افزایش تاب آوری شهرها در برابر بلایای طبیعی به ویژه زمین لرزه ها به میزان زیادی در کاهش این خسارات و همچنین زمان بهبودی جوامع مؤثر است

نقدی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان؛ تحلیلی بر وضعیت شاخص های تاب آوری در بافت های فرسوده شهری مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر فاروج انجام داده اند. هدف اصلی از انجام این پژوهش، تحلیل وضعیت شاخص های تاب آوری در بافت فرسوده و قدیمی شهر فاروج است. در این راستا تعداد ۳۲ شاخص در چهار بعد، کالبدی محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی مدیریتی براساس مطالعات مبانی نظری تحقیق انتخاب شد. در گام بعدی براساس این شاخص ها، پرسشنامه پژوهش طراحی و در میان ساکنان محدوده مورد مطالعه توزیع گردید. لازم به ذکر است ۳۸۰ خانوار در تکمیل پرسشنامه ها همکاری کردند. در ادامه اطلاعات جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS شد و سپس با آزمون تی تک نمونه اینتایچ پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پایان، چهار بعد تاب آوری با یکدیگر و براساس نمره های میانگین مقایسه شد. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که تاب آوری در بعد نهادی مدیریتی با نمره میانگین ۲/۷۰ در رتبه اول قرار دارد. در رتبه دوم تاب آوری کالبدی محیطی با نمره میانگین ۲/۴۷ قرار گرفته است. نهایی تا ابعاد اجتماعی و اقتصادی به ترتیب در رتبه های سوم و چهارم قرار دارند. در بخش دیگری از پژوهش ضریب اهمیت هر یک از شاخص ها براساس نظرات کارشناسان برآورد شد. در پایان براساس تلفیق نتایج، شاخص هایی که اولویت اجرایی بالاتری دارند، مشخص شد. در این روش دنبال شاخص هایی هستیم که در در وضع موجود نمره میانگین پایین داشته و همچنین از ضریب اهمیت بالایی برخوردار هستند. براساس تحلیل های انجام شده نه شاخص با ویژگی های مذکور وجود دارند. در این باره می توان به شاخص هایی همچون دسترسی به محل اسکان موقت، میزان آگاهی نسبت به بروز بلایای طبیعی و انسانی در محله، میزان آگاهی در زمینه واکنش ها و نحوه رفتار مناسب در زمان بحران، امنیت شغلی، توان مالی ساکنان برای مشارکت در حین بحران و حمایت سازمان های بیمه از ساکنان اشاره کرد. نیک پور و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان؛ شناسایی و تبیین پیشران های مؤثر در زمینه تاب آوری کالبدی (مطالعه موردی: نورآباد ممسنی) انجام داده اند. تاب آوری با توجه به وقوع سوانح طبیعی و یا انسان ساخت در دنیای امروز از مسائل بسیار اساسی است. لیکن توجه به مفهوم تاب آوری صرفاً در ابعاد کلان فاقد کارآمدی لازم بوده و شناخت این

^۲ Adger



مفهوم در سطوح خرد می‌تواند به اجرایی شدن این امر کمک شایان نماید. تاب‌آوری کالبدی، یکی از ابعاد تأثیرگذار در میزان تاب‌آوری جوامع است که از طریق آن می‌توان وضعیت جوامع را از نظر ویژگی‌های فیزیکی و جغرافیایی تأثیرگذار در هنگام بروز سانحه ارزیابی کرد. روش این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است.

در گام نخست مؤلفه‌های مؤثر تاب‌آوری کالبدی در شهر نورآباد ممسنی شناسایی و در قالب پرسشنامه دلفی تهیه و تدوین شدند، سپس این شاخص‌ها به‌وسیله اعضای پانل دلفی مورد بررسی قرار گرفتند و شاخص‌هایی که امتیاز لازم را کسب نکرده‌اند حذف و شاخص‌های پژوهش تعیین شدند. در گام سوم این شاخص‌ها به‌وسیله روش میک مک مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شد. نتایج نشان داد مؤلفه‌های مؤثر بر تاب‌آوری کالبدی شهر نورآباد ممسنی در ناحیه ۱، شامل متغیرهای تراکم ساختمان، تعداد طبقات، کیفیت ابنیه، اسکلت ساختمان، سطح معابر، مساحت قطعات و نوع مصالح است. از جمله ویژگی‌های این متغیرها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار بالا است. متغیرها در ناحیه ۲، شامل تراکم جمعیت، فاصله از گسل، توپوگرافی و عمق سطح ایستایی از جمله متغیرهای مستقل کلیدی به شمار می‌روند. از جمله ویژگی این متغیرها قدرت تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری بسیار کم است. متغیر اثرگذار در ناحیه ۳، زمین بایر بوده که بعنوان متغیر مستقل کلیدی به دلیل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کم، در گروه متغیرهای استراتژیک به حساب نمی‌آیند. شاخص‌های ناحیه ۴، شامل سطح اشغال، قدمت بنا، بعد خانوار، فرم قطعات و تأسیسات و تجهیزات شهری که آن‌ها نیز از جمله متغیرهای استراتژیک به حساب نمی‌آیند و بیشتر نتایج مربوط به اثر بخشی سایر متغیرها می‌باشند. کمالی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان؛ تحلیلی بر تاب‌آوری کالبدی مسکن اجتماعی در برابر زلزله با استفاده از تکنیک موران (نمونه موردی محله ی پونک زنجان) انجام داده اند. زمینه و هدف: با توجه به افزایش شتاب رشد شهرها، تأمین مسکن از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع و از اولویت‌های دولت‌ها می‌باشد. در کشور ما طی چند سال اخیر، به منظور تأمین مسکن اقشار کم درآمد، دولت سیاست احداث مسکن مهر و طرح اقدام ملی مسکن را در پیش گرفته است. با توجه به آسیب‌پذیری بالایی که کشورمان در مقابل سوانح طبیعی به‌ویژه زلزله دارد، لزوم توجه به مدیریت بحران و تاب‌آوری در پروژه‌های مسکن مهر و اقدام ملی مسکن ضرورت دارد. از آنجائیکه برنامه‌ریزی‌های انجام شده در زمینه مدیریت بحران به حین و پس از وقوع بحران اختصاص دارد و کمتر به شرایط پیش از وقوع بحران توجه می‌گردد؛ لذا در این پژوهش با هدف تحلیل تاب‌آوری کالبدی مسکن اجتماعی در برابر زلزله به دنبال برنامه‌ریزی‌های پیش از بحران می‌باشیم. روش: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با هدف ارزیابی تاب‌آوری کالبدی محله پونک زنجان - که متشکل از مسکن‌های مهر می‌باشد- کلیه شاخص‌های تأثیرگذار بر تاب‌آوری کالبدی به کمک تحلیل محتوا شناسایی و بررسی شده و پس از وزن‌دهی وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی شده است.

سپس به کمک تکنیک موران محلی و جهانی نوع پراکندگی تاب‌آوری و لکه‌های داغ و سرد بهینه شده تاب‌آوری مشخص شده است. یافته‌ها بیانگر این است که از میان ۱۸ شاخص اساسی سنجش تاب‌آوری کالبدی در برابر زلزله، فاصله از گسل در بالاترین اهمیت و دسترسی به کاربری‌های درمانی و ایستگاه‌های آتش‌نشانی کمترین اهمیت را دارا می‌باشند. در مجموع، محلات متشکل از مسکن‌های مهر به علت ضعف‌هایی که در مؤلفه‌های کالبدی‌شان دارند از تاب‌آوری کالبدی پایینی برخوردارند و با وجود نوساز بودن و وجود برنامه‌ریزی، آسیب‌پذیری بیشتری دارند. کمالی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان؛ تحلیلی بر تاب‌آوری کالبدی مسکن اجتماعی در برابر زلزله با استفاده از فن سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری فازی غیر ساختاری (NSFDSS) (نمونه موردی مسکن مهر



زنجان) انجام داده اند. مقدمه و هدف پژوهش: مسکن همواره به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی هر انسان و تأمین مسکن، از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع و از اولویت‌های دولت‌هاست. در کشور ما طی چند سال اخیر، به منظور تأمین مسکن اقشار کم درآمد، دولت سیاست احداث مسکن مهر و طرح اقدام ملی مسکن را در پیش گرفته‌است. از طرفی ایران به لحاظ جغرافیایی و زمین‌شناختی در زمره کشورهای است که آسیب‌پذیری بالایی در برابر سوانح طبیعی دارد؛ و از جمله مهم‌ترین آنها، زلزله می‌باشد. از طرف دیگر روند سریع رو به رشد شهرنشینی در کنار سایر عوامل، زنگ‌خطر بحران زلزله را به صدا در آورده‌است. مطالعات نشان می‌دهند که اکثر برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته در زمینه مدیریت بحران به حین و پس از وقوع بحران اختصاص دارد و کمتر به شرایط پیش از وقوع بحران توجه می‌شود. بنابراین بررسی تاب‌آوری قبل از بحران در پروژه‌های مسکن اجتماعی امری ضروری می‌باشد. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با هدف ارزیابی محلات متشکل از مسکن‌های مهر از لحاظ تاب‌آوری کالبدی در برابر زلزله، کلیه شاخص‌ها به کمک تحلیل محتوا شناسایی و بررسی شده تا علاوه بر شناخت نقاط قوت و ضعف آنها، چراغ راهی برای طرح‌های اقدام ملی مسکن باشند. روش پژوهش: بدین منظور در این پژوهش با روش‌های اسنادی و میدانی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده‌است. معیارها و شاخص‌های استخراج شده، به کمک فن سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری فازی غیرساختاری (NSFDSS) اولویت‌بندی و وزن‌دهی شده و در نهایت به کمک سامانه اطلاعات جغرافیایی نقشه‌های معیارهای وزن‌دهی شده، روی هم‌گذاری شده تا نقشه‌ی تاب‌آوری کالبدی حاصل شود. یافته‌های حاصل از پژوهش نشانگر این است که از بین شاخص‌های تاب‌آوری کالبدی فاصله از گسل بیشترین و دسترسی به کاربری‌های درمانی و آتش‌نشانی کمترین اولویت را در راستای ارتقاء تاب‌آوری کالبدی محلات دارند.

نتیجه‌گیری:

نتایج پژوهش گویای این است که محلات متشکل از مسکن‌های مهر به علت ضعف‌هایی که در مولفه‌های کالبدیشان دارند از تاب‌آوری کالبدی پایینی برخوردارند و با وجود نوساز بودن و برنامه‌ریزی شده بودن، آسیب‌پذیری بیشتری دارند. آراسته و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان؛ شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر تاب‌آوری شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد) انجام داده اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌نگاری به شناسایی وضعیت سیستم تاب‌آوری کلان‌شهر مشهد پرداخته است. بدین منظور از مطالعات توصیفی-تحلیلی، اسنادی و پرسشنامه و تحلیل‌های نرم‌افزاری استفاده گردید. بر اساس مطالعات صورت گرفته ۳۱ متغیر اولیه تأثیرگذار بر تاب‌آوری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، ساختاری-کالبدی و محیط‌زیستی انتخاب شده و در نهایت بر مبنای نظرات ۳۰ کارشناس، شش متغیر کلیدی حاشیه‌نشینی، مهاجرت، تراکم جمعیت و درصد شهرنشینی از گروه شاخص اجتماعی و متغیرهای سطح درآمد و قیمت مسکن از گروه شاخص اقتصادی در ماتریس اثرات متقاطع نرم‌افزار Micmac شناسایی شد. در ادامه، پس از تعریف وضعیت‌های مطلوب، میانه و فاجعه برای هر یک از متغیرهای کلیدی و ارزیابی هر یک از این وضعیت‌ها بر یکدیگر توسط متخصصان، با استفاده از نرم‌افزار Scenario Wizard به تحلیل الگوهای پیش‌روی کلان‌شهر مشهد پرداخته شد. نتایج حاصل از این تحلیل منجر به ارائه و پیشنهاد یک سناریوی مطلوب و یک سناریوی فاجعه برای آینده تاب‌آوری کلان‌شهر مشهد شده است. در صورت ایجاد و تأمین زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، ساختاری-کالبدی و محیط‌زیستی و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و آینده‌نگرانه در عرصه تاب‌آوری در سطوح مختلف برنامه‌ریزی شهری، سناریوی مطلوب برای آینده کلانشهر مشهد دنبال خواهد شد. در غیر این صورت



در بلندمدت با تخریب و عدم تأمین زیرساخت‌های ضروری، تحقق سناریوی فاجعه و تخریب عناصر تاب‌آوری در کلان‌شهر مشهد سرعت می‌گیرد.

بحث تحقیق

بافت فرسوده، کل یا آن بخشی از فضای شهری است که نظام زیستی آن هم از حیث ساخت و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود دچار اختلال و ناکارآمدی شده است. در تعریفی دیگر می‌توان گفت، پهنه‌هایی از شهر که دچار افت شهری و تمرکز فضایی مشکلات شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی و ذهنی هستند را بافت‌های رو به زوال، فرسوده و یا نواحی محنت زده‌ی شهری می‌گویند. این‌گونه بافت‌ها دچار کاهش و یا اختلال در کیفیت‌های کالبدی و کارکردی خود گردیده‌اند (توپچی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳).

بافت‌های فرسوده به علت گذشت زمان و عدم سرمایه‌گذاری لازم در نگهداری از آن‌ها با ویژگی‌های خاصی مواجه هستند که شامل موارد ذیل می‌باشد. عدم دسترسی به درون بافت، فقدان تأسیسات زیر بنایی مناسب، مشکلات زیست محیطی و بالا بودن حجم آلودگی، کمبود امکانات گذران اوقات فراغت، فقر و محرومیت، آسیب‌پذیری در برابر زلزله، سرانه کم خدمات، جمعیت زیاد (تراکم بالای جمعیت)، تراکم ساختمانی کم دوام، ناامنی و معضلات اجتماعی (عندلیب، ۱۳۸۵: ۲).

بافت فرسوده تظاهر نوعی بیماری در ساختار مجموعه‌های زیستی و عموماً مناطق شهری محسوب می‌گردند و عوامل چندی در بروز و شکل‌گیری آنها دخیل‌اند که از میان می‌توان به عوامل کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی، اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی اشاره کرد. تأثیر مخرب هر یک از عوامل فوق سبب کاهش ارزش‌های کمی و کیفی محیط زیست، در محدوده‌هایی از شهر می‌شود و با نزول ارزش‌های سکونتی- عملکردی در این قبیل محدوده‌ها امر نوسازی، بازسازی و بهسازی در آن‌ها متوقف می‌گردد و میل به عدم تغییر و تحول در آنها فزونی می‌یابد و حالت فرسودگی و ناکارآمدی در آنها مستولی می‌شود و بدین ترتیب بافت فرسوده‌ی شهری به عنوان بازتابی از تأثیر عوامل مخرب شکل می‌گیرد و به صورت فضایی که به تدریج متعلق به همه‌کس و غیر قابل سکونت برای هر کس باشد به حیات خود ادامه می‌دهد (همان، ۳). ویژگی‌های بیان شده، مرز بین بافت فرسوده و قدیمی و اقدامات ضروری به منظور بازسازی و نوسازی آن‌ها را تبیین می‌کند. بنا به تعریف بافت فرسوده و ناکارآمدی به بافتی اطلاق می‌گردد که در آن کاهش ارزش‌های کمی و کیفی محیط زیست انسانی بروز کرده باشد در حالی که در یک بافت قدیم ولی کارآمد، به دلیل ساختار آن، نه تنها هیچ یک از عوامل مخرب در آن نقشی ندارد، بلکه هماهنگی و هارمونی بین عناصر متشکله بافت، ارزش تاریخی را نیز به آن می‌بخشند. از این رو قدمت بافت نمی‌تواند ملاک فرسودگی و ناکارآمدی آن قلمداد گردد و چه بسایرند بافت‌هایی که در بدو شروع کل‌گیری در زمره بافت‌های ناکارآمد شهری محسوب می‌گردند و از این رو می‌توان فرسودگی و ناکارآمدی را در آنها معادل یکدیگر در نظر گرفت (مهندسین مشاور امکو، ۱۳۸۲، ص ۱).



جمع بندی و نتیجه گیری

گسترده‌گی مباحث و پدیده‌های شهری از یک سو و نیاز روزافزون شهروندان به مسائل مختلف و همچنین سلیقه متنوع آنها از سوی دیگر لزوم توجه به همه ابعاد شهر را ضروری می‌سازد که مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید همواره بدان‌ها توجه داشته باشند.

این در شرایط معمول و بدون رخداد و بلایای طبیعی و انسانی معقول به نظر می‌رسد، اما زمانی که شهرها در معرض سوانح طبیعی همچون زلزله، سیل و ... و یا آسیب‌های انسانی همچون آتش‌سوزی، حوادث تروریستی و جنگ و ... قرار می‌گیرند مدیران شهری علاوه بر رفع نیازهای فعلی چالش بزرگ‌تری به نام تامین ایمنی و امنیت شهروندان را پیش روی خود می‌بینند که باید با تدابیر ویژه به این مهم دست‌پایند. این امر به معنای ارتقای ظرفیت شهر، انعطاف‌پذیری و یا تاب‌آوری شهری می‌باشد که با توجه به رخدادهای امروز شهرها و نیز روندی که برای آینده در پیش خواهد داشت، توجه به بحث تاب‌آور نمودن شهرها امری مهم و حیاتی به شمار می‌رود. در واقع؛ پدیده‌های طبیعی چون زمین‌لرزه همواره وجود داشته و انسان امروزی علیرغم پیشرفت‌های شگرف فناوری خود توانایی جلوگیری از وقوع آنها را ندارد. این امر در مورد تهدیدهای انسانی همچون جنگ و سوانح تروریستی به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و در پی مناقشات سیاسی و با هدف تخریب شهرها و کشورهای دیگر صورت گرفته که این امر نیز می‌تواند در صورت نبود برنامه‌های پیشگیرانه خسارات مالی و جانی زیادی در پی داشته باشد که شهرها به دلیل انباشت سرمایه و تراکم بالای جمعیتی و نیز به علت گسترده‌گی شان به نسبت سایر سکونتگاه‌های انسانی صدمات بیشتری را شاهد خواهند بود از سوی دیگر بیان این نکته حائز اهمیت است که به دنبال رخدادهای طبیعی و انسانی مطروحه؛ طیف گسترده‌ای از آسیب‌ها مطرح می‌گردد. صرف نظر از خسارات اقتصادی وارد بر شهر و در مقیاس کوچک‌تر بر شهروندان، تلفات انسانی و مشکلات روحی- روانی ناشی از مرگ عزیزان، بی‌خانمانی و ناامنی هر یک به تنهایی یک بحران تلقی می‌شوند. آنچه که لازم است مورد توجه قرار گیرد، نحوه برخورد مدیران و برنامه‌ریزان شهری با آنها است. از این رو لازم است تا با تاب‌آور نمودن شهرها از این حوادث جلوگیری شده و یا حداقل میزان آنها را کاهش داد. چنانکه در طول مطالب نیز بیان گشت با بکارگیری اصول و ضوابط شهرسازی و تبیین مفاهیم موجود در این دانش مانند فرم، بافت و ساخت شهر، کاربری اراضی شهری، شبکه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شهری و غیره می‌توان تا حد زیادی اثرات و تبعات ناشی از حوادث شهری را کاهش داد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ

- امیر افزلی، بیتا، (۱۳۸۵)، بررسی و ساماندهی کالبدی - فضایی بافت قدیم شهر اصفهان (محلہ علیقلی آقا)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد.
- امیری، سعید، (۱۳۷۴)، چگونگی شناخت و اصلاح بافت‌های فرسوده شهری، مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد اول، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- جهانشاهی، محمدحسین، (۱۳۸۲)، بافت‌های فرسوده و مشکل سازی شهری، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۴.
- حبیبی کیومرث، پوراحمد احمد، مشکینی ابوالفضل، (۱۳۸۶)، بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، انتشارات انتخاب، چاپ اول، تهران.
- رسولی، محمد، (۱۳۷۶)، تجارب جهانی در امر بهسازی و نوسازی بافت قدیمی شهرها، خلاصه مقالات همایش تخصصی بافت‌های شهری، چاپ اول، وزارت مسکن و شهرسازی.
- رضویان، محمدتقی، (۱۳۸۱)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات منشی، چاپ اول، تهران.
- رهنما، محمدرحیم، (۱۳۸۴)، بررسی روند احیاء مرکز شهر مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اول، مشهد.
- زیاری، کرامت الله، (۱۳۸۴)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ دوم، یزد.
- سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۵)، فن آوری مناسب برای کاهش آسیب پذیری بافت‌های تاریخی، اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله در شهرهای دارای بافت تاریخی، ۹ تا ۱۱ خرداد، دانشگاه یزد.
- سلطان زاده، حسین، (۱۳۷۲)، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، شهرداری تهران، تهران.